

## فارسی هشتم درس شانزدهم پرندۀ آزادی – کودکان سنگ

### پرندۀ آزادی

مهم‌ترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن‌ها با یکدیگر است؛ به گونه‌ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سرودۀ زیر، لحن‌های حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده‌اند.

شعری برای «محمد الدّوره»، نوجوان فلسطینی که در سال ۱۳۷۸ ه. ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر **هجوم** بی‌رحمانۀ نیروهای اشغالگر اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت رسید.

**هجوم:** حمله

**محمد چونان پرندۀ ای:** تشبیه

**آشیان:** خانه، لانه

**بیم:** ترس، وحشت

**دوزخ:** فاصله میان بهشت و جهنّم

**بیم آسمان:** تشخیص و استعاره

محمّد در آغوش پدرش چونان پرندۀ ای بیمناک **آشیان** دارد، از **بیم دوزخ** آسمان.

**محمد در بغل پدرش مثل پرندۀ ای ترسناک (از ترس آتش هواپیماهای دشمن که از آسمان فرو می‌ریزد) لانه دارد،**

**ناتوان:** ضعیف، عاجز

**پنهان، برابر، در، این، توفان:** آرایۀ تکرار

**توفان:** استعاره از جنگ و آتش

**تیرگی:** استعاره از ظلم و ستم

**آن‌ها در بالا در پروازند:** مجاز از هواپیما

آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان بال‌های من در برابر این توفان **ناتوان** است، ناتوان در برابر این تیرگی و آنها که در بالا در پروازند. آه ای پدر، مرا بپوشان؛ بال‌های من در برابر این این صدای ترسناک، در برابر این تاریکی سایه هواپیماهای جنگنده اسرائیلی که آن بالا پرواز می‌کنند، طاقت ندارد.

**محمّد، فرشتۀ بی‌پناهی است:** تشبیه

**صیّاد:** شکارچی

**سنگدل:** بی‌رحم

**تفنگ، صیّاد:** مراعات نظیر

محمّد، فرشتۀ بی‌پناهی است، نزدیک به تفنگ **صیّادی سنگدل**، محمد مانند پرندۀ بی‌پناهی است که به تفنگ شکارچی بی‌رحمی نزدیک است.

او در سایۀ خود تنه‌است

او تنها و بی‌کس است

او در سایۀ خود تنه‌است: کنایه از بی‌کسی

چهره‌اش روشن است، چونان خورشید  
 قلبش سرخ و روشن است، چونان سیب  
 چهره او مثل خورشید می درخشد و قلبش  
 مانند سیب سرخ سرخ و شفاف است.

چهره اش چونان خورشید: تشبیه  
 قلبش چونان سیب: تشبیه  
 خورشید، روشن: مراعات نظیر  
 چهره، قلب: مراعات نظیر

صیادش می‌تواند به شکارش دیگر گونه  
 بیندیشد؛ با خود بگوید:  
 «اکنون او را رها می‌کنم، تا آنگاه که بتواند  
 فلسطینش را بی غلط تلفظ کند...  
 و فردا چون سرکشی کند، شکارش می‌کنم...»  
 شکارچی می‌تواند به این شکارش جور دیگری  
 نگاه کند؛ با خود بگوید: «حالا به او کاری  
 نداشته باشم، تا وقتی که بتواند واژه فلسطین  
 را بدون غلط تلفظ کند و اگر در آینده نافرمانی  
 کرد، صیدش کنم»

صیاد، شکار: مراعات نظیر

سرکشی: نافرمانی

«محمد الدوره»

خونی است که از بعثت پیامبران جوشیده است  
 پس ای محمد، صعود کن! صعود کن تا  
 سدرۀ المنتهی!

«محمد الدوره» خونی است که از زمان  
 برانگیخته شدن پیامبران جوشیده است. پس  
 ای محمد بالا بیا! بالا بیا تا به آخرین درجه  
 برسی!

محمود درویش، شاعر فلسطینی

محمد الدوره ( مانند ) خونی است: تشبیه  
 بعثت: برانگیختن، فرستادن  
 صعود: اوج گیری، بالا رفتن  
 سدره المنتهی: درختی در آسمان هفتم  
 محمد، بعثت، پیامبر: مراعات نظیر  
 صعود: تکرار  
 چرا محمد دوره مانند خونی است؟ زیرا از  
 بعثت پیامبران برانگیخته شده است:  
 حسن تعلیل دارد.

کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند با آنکه در دستانشان جز  
 سنگ نبود چونان مشعل‌ها درخشیدند و  
 چونان بشارت از راه رسیدند  
 دنیا را شگفت زده کردند، با اینکه در  
 دست‌هایش به غیر از سنگ هیچ چیز دیگری  
 نبود مثل چراغدان‌ها درخشیدند و مثل  
 مزدگانی از راه رسیدند.

خیره: شگفت انگیز

چونان: مانند

مشعل: چراغ

بشارت: مژده، خبر خوش

آنان چونان مشعل: تشبیه

چونان بشارت: تشبیه

مشعل، درخشید: مراعات نظیر

چونان: تکرار

ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.  
 آه، ای لشکریان خیانت‌ها و **مزدوری‌ها**!  
 هر قدر هم که تاریخ **درنگ** کند  
 به زودی، **کودکان سنگ**، **ویران‌تان** خواهند  
 کرد!  
 و استقامت کردند و فریاد زدند و شهید شدند.  
 آه، ای سپاه خائن گماشته شده! هر چقدر هم  
 که زمان صبر و ایست کند، به زودی بچه‌های  
 فلسطین سنگ **باران‌تان** می‌کنند و نابود  
 می‌شوید.

**حماسه**: دلیری، شجاعت، دلاوری  
**حماسه آفریدن**: کنایه از مبارزه کردن  
**سنگ حماسه آفرید**: تشخیص  
**دانش آموز، بیاموزید**: مراعات نظیر

ای دانش آموزان غزه! به ما بیاموزید؛ که چگونه  
 سنگ در دستان کودکان، **حماسه** می‌آفریند؟  
 ای دانش آموزان غزه! به ما یاد بدهید که  
 چگونه سنگ در دست‌های کودکان، شجاعت  
 خلق می‌کند؟

**توان**: نیرو، قدرت  
**بتازید**: حمله کنید، بجنگید  
**استوار**: محکم، پابرجا  
**گستره**: میدان  
**نبرد**: جنگ، مبارزه  
**بتازید**: کنایه از جنگیدن  
**استوار بمانید**: کنایه از ایستادگی  
**نبرد، بتازید، گستره**: مراعات نظیر

ای فرزندان غزه!  
 با تمام توانتان **بتازید** و در راهتان **استوار**  
 بمانید  
 در **گستره** نبردهاتان پیش بروید.  
 ای فرزندان غزه! با تمام قدرتتان با دشمن  
 بجنگید و در راهتان محکم بمانید و در میدان  
 نبردها جلو بروید.

**مهیا**: آماده

ای دوستان کوچک ما، سلام!  
 برای چیدن زیتون **مهیا** باشید!  
 ای دوستان کوچک ما، سلام و درود بر شما باد  
 و برای چیدن زیتون آماده باشید.

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <p><b>بارور:</b> ثمره، میوه</p> <p><b>وطن:</b> میهن، ملت</p> <p><b>افق:</b> ناحیه، کرانه</p> <p><b>چشم:</b> مجاز از نگاه</p> <p><b>نمایان:</b> آشکار، روشن</p> <p><b>چهرۀ قدس، رخسارۀ فلسطین:</b> اضافه استعاری</p> <p><b>فروغ:</b> روشنایی، روشن، نورانی</p> <p><b>تابان:</b> درخشان، نورانی</p> <p><b>وطنی زاده می شود:</b> تشخیص و کنایه از به دنیا آمدن</p> <p><b>فروغ، تابان، نمایان:</b> مراعات نظیر</p>                                                                                                                                                                                                                                                                    | <p>در لحظه‌هایی که درختان زیتون، <b>بارور</b> می‌شوند و <b>وطنی</b> زاده می‌شود در چشم‌ها و <b>افقی</b> دیگر <b>نمایان</b>، چهرۀ قدس، درخشان و <b>رخسارۀ فلسطین</b> <b>پرفروغ</b> و <b>تابان</b> می‌شود.</p> <p>وقتی که درختان زیتون به ثمر می‌نشینند ملتی به دنیا می‌آید و سرزمین و میهنی دیگر آشکار می‌شود. چهرۀ قدس و فلسطین روشن و نورانی می‌شود.</p> <p><b>نزار قَبّانی</b>، ترجمه: عبدالرضا رضایی نیا، با اندکی تغییر و کاهش</p> |
| <p><b>خود ارزیابی</b></p> <p>۱- در بند اول شعر پرندۀ آزادی، تشبیه‌ها را بیابید.</p> <p>بند اول شعر پرندۀ آزادی = تشبیه محمد به پرندۀ ای بیمناک</p> <p>بند اول شعر کودکان سنگ = تشبیه کودکان فلسطینی به مشعل - تشبیه کودکان فلسطینی به مژده و بشارت</p> <p>۲- منظور شاعر از «کودکان سنگ» چیست؟</p> <p>کودکانی که در فلسطین برای دفاع از خود و کشور خود سلاحی به جز سنگ ندارند و با پرتاب سنگ از خود دفاع می‌کنند.</p> <p>۳- نوجوانان فلسطینی برای آزادی سرزمین خود، چه کارهایی می‌کنند؟</p> <p>آن‌ها راه گذشتگان خود را دنبال می‌کنند و ایمان و اعتقاد خود را تقویت کرده و در کنار و دوشادوش بزرگترهای خود با اشغالگران مبارزه می‌کنند و در این راه از هیچ تلاشی دست نمی‌کشند.</p> |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |
| <p><b>دانش زبانی</b></p> <p><b>وابسته‌های اسم (۴) صفت مبهم</b></p> <p>به جمله‌های زیر توجه کنید:</p> <p>پدر نیما کتاب را از فلان مغازه خرید.</p> <p>زینب، چند مجله از دوستش گرفت.</p>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                        |

در گروه‌های اسمی «**فلان مغازه**» و «**چند مجله**» دو وابسته پیشین «**فلان**» و «**چند**» دیده می‌شود؛ این واژگان، «**صفت مبهم**» نامیده می‌شوند؛ زیرا نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به طور نامعین نشان می‌دهند. **صفت مبهم**، **پیش از اسم** (هسته) می‌آید و **وابسته پیشین اسم** محسوب می‌شود.

## نکته:

برای اینکه در یک جمله گروه اسمی را تشخیص دهیم یک راه برای این کار تشخیص نقش کلمات یعنی همان پیدا کردن نهاد، مفعول، متمم و مسند است.

## مثال:

پدر نیما کتاب را از فلان مغازه خرید.

نهاد                      مفعول                      متمم

در جمله بالا ما سه گروه اسمی داریم که هر گروه اسمی در اینجا از هسته و وابسته تشکیل شده است. خرید هم فعل است و گروه اسمی قرار نمی‌گیرد چون که فعل است و باید در گروه فعلی به حساب آورد.

**پدر نیما:** پدر (هسته) نیما (وابسته پسین)

**کتاب:** (هسته)

**فلان مغازه:** فلان (وابسته پیشین) مغازه (هسته)

## فعالیت‌های نوشتاری

۱- پیشوند «ب» را به ابتدای فعل‌های زیر بیفزایید و شکل تغییر یافته آنها را بنویسید.

آمد = **بیامد**

افروخته است = **بیافروخته است**

افکنده بودند = **بیافکنده بودند**

۲- در هر یک از جمله‌های زیر، گروه‌های اسمی را بیابید و هسته، وابسته‌ها و نوع هر یک را مشخص کنید.

هر سخن ارزشمند را پاس بدار.

**سخن:** هسته - **ارزشمند:** وابسته پسین؛ **صفت بیانی**

هر روز، یک شعر زیبا بخوان.

**شعر:** هسته - **زیبا:** وابسته پسین، **صفت بیانی**

دانش آموزان، چند درخت کاشتند.

**درخت:** هسته - **چند:** وابسته پیشین، **صفت مبهم**

۳- درک و دریافت خود را از این بخش شعر «کودکان سنگ» بنویسید.  
«وطنی زاده می شود در چشم‌ها و آفتی دیگر، نمایان...»  
دنیا تولد ملتی دیگر را می بیند و قدرت مظلومان آشکار می شود.

### املا

هنگام افزودن پیشوند «ب» به فعل‌هایی که با همزه (ء) شروع می‌شوند، املاي کلمه تغییر می‌کند؛ و «ی» جایگزین همزه می‌شود؛  
مانند:

اندیشد: بیندیشد

افتاد: بیفتاد

انداخت: بینداخت